

مسابقات جام ملت‌ها را که ندیدیم اما از حامد خواستیم همانطور که در ابتدای بازی‌های ایران صمد را با زرسی بدنی کرده بود، فیکور بگیرد تا ما عکاسی کنیم

چه اتفاقی برای بسکتبال ایران افتاد پله پله تا قهرمانی آسیا

آیدین مقیمی

محمود مشحون کار را از تیم‌های پایه آغاز کرد و همراه با تیم مدیریتی خودش در فدراسیون آرام آرام سطح توقعات از بسکتبال را بالا برد. در حالی که تیم ملی با سرمربیگری اونیکا در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دو حه به مدال برنز مسابقات رسید و همه در لذت این پیروزی غرق بودیم، مشحون سقف پیشرفت ایران با اونیکا را تمام شده دانست، شرایط سنگین او را نپذیرفت و با استخدام رایکو ترومن فاز جدیدی از کار برای کسب سکوی نخست آسیا شروع شد. حضور در المپیک در یک رشته تیمی شاید آرزوی دیرینه کاروان ایران بود، چه برسد به رشته بسکتبال که ما تا چند سال پیش حتی در آسیا هم حرفی برای گفتن نداشتیم.

تیم ملی پیش از المپیک ۲۵ بازی تدارکاتی داشت که در مهم‌ترین آنها در جام دایموندبال، با پیروزی بر صربستان که یکی از قطب‌های بسکتبال اروپاست، بزرگ‌ترین پیروزی تاریخ بسکتبال ایران را کسب کرد. ترومن پیش از المپیک به فیلیپین رفت و سلین ماتیچ به ایران آمد؛ یک مربی صاحب سبک که تجربه کار در بزرگ‌ترین تیم‌های ملی مثل اسپانیا و صربستان را داشت و فرض کنید روزی یکی از مربیان برتر فوتبال دنیا به تیم ملی ما بیاید - مثلا کاپلو یا لیپی یا هیدینگ - چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ قهرمانی ایران همراه با ماتیچ زمانی ارزش زیادی پیدا می‌کند که چند نکته را بدانیم؛ تمام تیم‌های قدر آسیایی مثل لبنان، اردن، قطر و حتی کره و ژاپن بازکنان خارجی را تبعه کشور خود کرده بودند. ستاره بی‌چون و چرای تیم ملی در دوره گذشته جام ملت‌ها - یعنی آیدین نیکخواه - این دوره در تیم ملی نبود. چین این دوره با تیم کامل و برای قهرمانی در کشور خود آمده بود. البته تیم ما هم مدافع عنوان قهرمانی بود و برخلاف دوره قبل تمام تیم‌ها با آنالیز کامل و انگیزه قوی برابر ما حاضر می‌شدند. ماتیچ با تاکتیک مناسب در هر بازی و به خصوص در فینال چنان از ستاره‌های ما بازی گرفت که چین با رسیدن به بن‌بست تاکتیکی از شروع نیمه دوم دست‌ها را بالا برده بود. او آن قدر جا برای پیشرفت برای تیم ایران قائل بود که بعد از پیروزی میلی‌متری بر تیم چندملیتی اردن و صعود به جام جهانی با جدی‌ترین لحن ممکن بگوید تنها هدفش قهرمانی است. بازی بسادو گارد راس در فینال و فلج کردن پست پنج تیم چین با آموختن روش مهار او به حامد حدادی زود چین را ناکام کرد. حالا توقعات ما از بسکتبال آن قدر بالا رفته که صمد نیکخواه بگوید: «در جام جهانی تر کیه شاید به جمع ۱۲ تیم برتر دنیا هم برسیم».

● اما باز در نیمه‌نهایی جام ملت‌ها هم به ایران باختند.
حامد: اگر ده تا بازیکن از آمریکا بیاورند، باز هم به ما می‌بازند.
● الان بزرگ‌ترین نگرانی ما برمی‌گردد به اینکه اگر دوران ورزشی حامد حدادی و صمد نیکخواه و مهدی کامرانی تمام شود، دیگر بازیکن جوان برای جایگزینی نداریم و بسکتبال ایران یک دفعه افت می‌کند.
صمد: ما که فعلا هستیم.

● حالا شاید برای المپیک لندن بشود روی شما حساب کرد اما در المپیک بعدی که دیگر نیستید.
صمد: برای المپیک ۲۰۱۶ هم هستیم!
● برای خودتان یک پا علی‌دا بی هستند. تا چند سالگی می‌خواهید در تیم ملی باشید؟
صمد: در المپیک ۲۰۱۶ بزرگ‌ترین ما ۳۲ ساله می‌شود. ۳۲ سالگی سن بالایی در بسکتبال نیست.
حامد: اگر خوب تمرین کنیم تا هشت سال دیگر می‌توانیم برای تیم ملی بازی کنیم.

● یکی از اتفاقاتی که در حاشیه قهرمانی تیم ملی بسکتبال در جام ملت‌ها افتاد، بی‌تفاوتی صداوسیما بود. خبر داشتید که غیر از بازی نیمه‌نهایی و فینال مسابقات بازی دیگری از تلویزیون پخش نشد؟

صمد: در چین که بودیم به من زنگ زدند و خبر دادند که تیم ملی فوتبال در بازی دوستانه بوسنی را برده و تلویزیون برایشان سرود گذاشته.
حامد: به من هم خبر دادند که در اخبار، تصویر مسابقات دو سال پیش ما را پخش می‌کردند. توی یکی از صحنه‌هایی که هر روز پخش می‌کردند، چهره آیدین هم بوده. حتی دنبالش نرفته بودند که تصاویر خبری مسابقات را از شبکه‌های خبری بگیرند تا این جوری ضایع نکنند.

صمد: انکار اصلا دوست نداشتند که مسابقات را پخش کنند. وقتی رفتیم بین چهار تیم دیگر شرمند شدند و دیدند که دیگر نمی‌توانند پخش نکنند.

بسکتبالیست‌های چین از ما می‌ترسند. روز بازی به همه ثابت شد که آنها از ما می‌ترسند.
● فشار تماشاگران چینی کار شما را مشکل نکرد؟ شما در ایران در بهترین حالت در حضور ۲ هزار تماشاگر بازی می‌کنید. اما در روز بازی فینال بالای ۱۲ هزار نفر تماشاچی برای قهرمانی چین به سالن آمده بودند.

حامد: هر چقدر تماشاچی بازی بیشتر باشد، مانگیزه بیشتری پیدا می‌کنیم. شما مطمئن باشید که اگر برای بازی فینال آن قدر تماشاگر نمی‌آمد، ما هم آن قدر انگیزه نداشتیم.

صمد: البته باز هم به نسبت جمعیت چین تماشاگر کمی برای تماشا بازی آمدند.

حامد: چین یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون و خرده‌ای نفر جمعیت دارد. همان خرده‌ای آن به قدر جمعیت ایران است.

● یکی از کوارترهای بازی فینال را روی نیمکت نشست. یک جوری آوانس هم دادید به چین.

حامد: سه فوله شده بودم. برای همین هم استراحت کردم. البته هشت دقیقه مانده به آخر بازی دیگر ناامید شده بودم.

● آن ده ثانیه آخر هم بازمه بود. همه در زمین راه می‌رفتند.

حامد: آن قدر با چین اختلاف داشتیم که دیگر انگیزه نداشتیم. باید می‌رفتند از یک شهر دیگر توب را به سمت حلقه پر تاپ می‌کردند تا شاید این هجده امتیاز جبران شود.

● توی که سابقه داری. در دوره گذشته جام ملت‌ها از زمین خودمان توب را پر تاپ کردی و گل هم شد.

حامد: پس از آن مسابقات که به تهران برگشتیم، مردم در خیابان که من را می‌دیدند از آن پر تاپ حرف می‌زدند. باورشان نمی‌شد که تنها سه امتیاز داشته. حتی چند نفر هم فکر می‌کردند آن پر تاپ پنج امتیازی بوده.

● وسلین ماتیچ سرمربی جدید تیم ملی بسکتبال چقدر در این قهرمانی تاثیر داشت؟

صمد: تاثیر که داشت. اما اینطور نیست که تصور کنیم ماتیچ ایران را قهرمان کرده. اگر ما برای فوتبال فابیو کاپلو را هم بیاوریم، باز هم نمی‌توانیم قهرمان دنیا شویم. پس مربی همه چیز نیست. هم باید مربی بیاوریم، هم باید خوب به او امکانات بدهیم. در بسکتبال ایران هم ابزارهای خوبی به ماتیچ دادند. الان در جام ملت‌های آسیا تمام تیم‌ها سرمربی خارجی دارند. سرمربی هند هم خارجی بود. حتی چین هم که سرمربی آن چینی بود، یک کادر مربیگری ده نفری داشتند که همه آمریکایی بودند.

حامد: البته در بسکتبال آسیا الان دیگر کار از سرمربی خارجی گذشته و به بازیکن خارجی رسیده. اردن دو تا بسکتبالیست آمریکایی داشت و یک بسکتبالیست آلمانی.

● روزی که اردوینان برای مسابقات جام ملت‌ها آغاز شد، اصلا پیش‌بینی می‌کردید که باز هم قهرمان شوید؟

صمد: پیش‌بینی قهرمانی سخت بود. اما مطمئن بودیم که به چهار تیم برتر می‌رسیم.

● البته تا ۲۰ روز مانده به مسابقات که غیبت یانومینگ در جام ملت‌ها قطعی نبود.

صمد: حامد از چند ماه پیش به ما خبر داده بود.

حامد: در آمریکا که تیم‌های ما با هم بازی داشتند، با هم حرف زدیم. در مکالمه کوتاهی که داشتیم به من خبر داد که به مسابقات نمی‌آید و استراحت می‌گیرد.

● حالا واقعا مصدوم بود یا برای چین طاقچه بالا گذاشت؟

حامد: مصدوم بود. چند روز پیش از جام ملت‌ها جراحی کرد. احتمالا چند بازی از مسابقات فصل را هم از دست بدهد.

● قبول دارید اگر یانومینگ بود، ما این قدر راحت قهرمان نمی‌شدیم؟

حامد: اگر آن روز یانومینگ هم بود، چین باز به ایران می‌باخت.

صمد: یانومینگ هم که بازی می‌کرد، جای «ژی‌زی» به زمین آمد. «ژی‌زی» که سنتر ذخیره تیم ملی چین است، در آن بازی ۲۵

امتیاز گرفت. حالا اگر یانومینگ بود می‌خواست چه کار کند. هر کاری می‌کرد بالای ۳۰ امتیاز که نمی‌آورد. ما بازی با چین را با ۱۸ امتیاز اختلاف بردیم. حالا اگر یانومینگ بود، شاید اختلاف دو تیم چند امتیاز کمتر می‌شد اما باز هم ما می‌بردیم.

البته «ژی‌زی» هم بسکتبالیست کوچکی نیست. در نیوجرسی، فیکس بازی می‌کند اما با وجود این در مسابقه فینال هر چی توب زیر حلقه بود حامد می‌گرفت.
حامد: در چند دقیقه اول بازی روی روح و روانش بازی کردم. هر جایی توب به‌اش می‌رسید، من یکی دو متر عقب‌تر می‌رفتم و فریاد می‌زدم که شوت بزن. یکی دو تایی اول را گل کرد ولی بعدش دیگر خراب کرد.

● پس یک جوری تحقیرش می‌کردی.

حامد: ماتیچ سرمربی تیم ملی پیش از اینکه بازی آغاز شود، به من پیشنهاد داد این کار را بکنم. خوشبختانه جواب هم داد. کار به جایی رسیده بود که در کوارتر چهارم هر وقت توب به «ژی‌زی» می‌رسید، تمام تماشاگران سالن فریاد می‌زدند بزن و او هم خراب می‌کرد. البته انگار پیش از بازی از من ترسیده بود.

● چرا؟

حامد: انگیزه ما بالا بود. من و صمد از دو شب مانده به فینال در راهروی هتل راه می‌رفتیم و شلوغ کردیم و داد و هوار راه می‌انداختیم. با این کار، هم انگیزه بچه‌های ما بالا می‌رفت که در اتاق‌های کنساری بودند، هم روحیه بازیکنان چین پایین می‌آمد که در همان هتل اقامت داشتند. سرمربی تیم هم به ما توصیه کرده بود که این کارها را بکنیم. ماتیچ تنها کسی بود که به ما فهماند



شاید به خاطر سر و وضعمان دوست ندارند مسابقات تیم ملی بسکتبال را پخش کنند. شاید هم پیش‌بینی کرده بودند که ما می‌بازیم



حامد حدادی چه جور آدمی است ارباب حلقه‌های آسیا

بسکتبال ایران چهار مدال طلای آسیایی امی‌دها، باشگاه‌های ۲۰۰۷ آسیا و جام ملت‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ خود را مدیون او می‌داند. روزگاری تنبل‌ترین بسکتبالیست ایرانی بود که بالاخره پوست انداخت و به NBA رسید. با نمایش خوب در امیدهای ۲۰۰۴ آسیا به ارباب حلقه‌ها معروف شد و بعد هم رکورد بهترین قرارداد تاریخ ورزش ایران را با رفتن به ممفیس مال خود کرد. بزرگ‌ترین خصوصیت اخلاقی‌اش مهربانی است و به این خصلت شهره عام و خاص است. در وجودش از کینه و دشمنی هیچ خبری نیست. اگر بخواهد اراده کند، در زمین بسکتبال حریفی نخواهد داشت، فقط باید انگیزه‌هایش بارور شود. خدا فقط او را برای بازی بسکتبال آفریده است ولی از نشستن در یک پراید با توجه به قد ۲۱۸ سانتی‌متری‌اش ابایی ندارد. اگر از کسی خوشش نیاید، حتماً به طرف خواهد گفت. زیاد اهل حرف زدن نیست. هیجان، به ویژه سرعت را هنگام راندگی دوست دارد اما از زمانی که به آمریکا رفته بیش از پیش قانونمدار شده. زمانی ولخرج بود و از خوردن ۵۰ سیخ دل و جگر گوسفند لذت می‌برد اما با رفتن به NBA تغییر عقیده داد و تصمیم گرفت کلسی پس‌انداز کند. حامد حدادی تنها ۲۳ سال دارد و حالا قصد دارد به غیر از آسیا در NBA هم ستاره باشد. نقطه ضعف بزرگش این است که بلد نیست «نه» بگوید و گاهی در رودر بایستی گیر می‌کند. کسی باور نمی‌کرد او بتواند شب زودتر از ساعت ۱۲ بخوابد اما حالا کافی است دوستانش دیر وقت با تلفن همراهش تماس بگیرند تا فردا که از سایلنت خارجش کرد زنگ بزند و بگوید دیشب هنگام زنگ زدن به ساعت توجه کردی؟ یکی از بهترین تفریحاتش بازی کامپیوتری و دیدن فیلم‌های سینمایی است. وقتی در آمریکا بود، تمام اخبار ایران را دنبال می‌کرد و نگران مسابقات تیم محبوبش استقلال در لیگ برتر فوتبال ایران بود. زود عصبانی می‌شود و زود هم آرام؛ فقط کافی است کسی قد بلندش را مسخره کند. هر وقت به او می‌گویند سلام آقای صمد نیکخواه‌بهرامی فقط می‌خندد. به سعید فتحی، جدی‌ترین مربی بسکتبالش احترام می‌گذارد و علاقه زیادی به پسر و مادر و برادر و خواهرش دارد. حامد حدادی از صمد نیکخواه‌بهرامی رفیق‌بازتر است. تنها افتخار ممکنه که در کارنامه ندارد قهرمانی لیگ برتر ایران است.

▶ جالب اینجاست که در روزهایی که شما در جام ملت‌ها مسابقه داشتید، صداوسیما مسابقات تیم

حامد: من احساس می‌کنم که شاید به خاطر سرووضع مان دوست ندارند مسابقات تیم ملی بسکتبال را پخش کنند. شاید هم پیش‌بینی کرده بودند که ما می‌بازیم و برای همین دنبال پخش مستقیم بازی‌ها نرفته بودند.

● بسکتبال ایران با اینکه قهرمان آسیاست اصلاً سهم زیادی در رسانه‌های ورزشی ندارد.

حامد: من الان در روزنامه ورزشی می‌بینم که ده صفحه فوتبالی دارند. اسم ده صفحه باقیمانده را می‌گذارند: «منهای فوتبال»؛ حتی نمی‌نویسند بسکتبال، والیبال یا کشتی. همه چیز را در فوتبال می‌بینند. هر چیزی هم که فوتبال نیست اسمش را می‌گذارند «منهای فوتبال».

صمد: بعد از اینکه به ایران برگشتیم یک مصاحبه از آقای کفاشیان خواندم که در آن گفته بود: «این همه ما رفتیم جام جهانی، حالا یک بار هم بسکتبال برود». تعجب می‌کنم آقای کفاشیان که در کمیته ملی المپیک و سازمان تربیت‌بدنی بودند و چند بار به فدراسیون بسکتبال کمک کردند، این حرف را زدند. انگار چون حالا رئیس فدراسیون فوتبال هستند از قهرمانی بسکتبال ناراحت شده‌اند. من اصلاً می‌خواهم بپرسم فوتبال چند بار رفته جام جهانی؟

حامد (می‌خندد): تا جایی که من یادم می‌آید در تمام دوره‌های جام جهانی بوده‌اند!

● فوتبال ایران سه بار به جام جهانی رفته.

صمد: بسکتبال ایران شش بار به مسابقات جهانی رفته؛ دو بار تیم جوانان، یک‌دفعه امی‌دها یک بار هم تیم ملی بزرگسالان. دو مرتبه هم تیم‌های ایرانی به جام باشگاه‌های جهان رفته‌اند. تازه بودجه بسکتبال برای هر سال ۶۵۰ میلیون تومان است. حالا تصور کنید اگر این بودجه را بالا ببرند، دیگر چه اتفاقاتی در بسکتبال ما می‌افتد.

من فکر کنم اگر بودجه فوتبال را به بسکتبال بدهند، سالی دو هزار و پانصد دفعه به جام جهانی می‌رویم.

● البته مشکل فقط بودجه فدراسیون بسکتبال نیست. تا جایی که من می‌دانم در ایران یک

سالن استاندارد بسکتبال نداریم.

صمد: سالن آزادی که مسابقات تیم ملی در آن انجام می‌شود، در سال ۱۳۴۸ ساخته شده. حالا خودتان ببینید که در یک سال گذشته چند استادبوم فوتبال ساخته‌اند.

حامد: دو سال پیش که ما قهرمان جام ملت‌های آسیا شدیم، کفدراسیون بسکتبال آسیا می‌خواست میزبانی این دوره را به ما بدهد اما وقتی نماینده فیبا به ایران آمد و سالن آزادی را دید، بی‌خیال شد و میزبانی را از ما گرفتند و دادند به چین.

● البته پارسال هم که رفتید المپیک، سازمان تربیت‌بدنی وعده داد که یک

سالن اختصاصی بسکتبال در مرکز تهران می‌سازد اما هنوز کلنگش را هم نزده‌اند.

حامد: هنوز زمینش را هم پیدا نکرده‌اند.

صمد: الان مادر علی آبادکتول هم استادبوم فوتبال داریم. در زاهدان که اصلاً تیم فوتبال ندارد، ورزشگاه پانزده هزار نفری فوتبال ساختند. بعد مادر سالن‌هایی بازی می‌کنیم که اصلاً نمی‌فهمی کدام خط‌کشی برای بسکتباله، کدام خط‌کشی برای بدمینتونه و کدام خط‌کشی برای والیباله. اصلاً چند دقیقه اول بازی گیج می‌زنیم که کدام خط‌کشی برای ماست.

● البته سالن هم نیستند؛ سوله‌هایی هستند که به نام سالن ورزشی افتتاح شده‌اند.

صمد: چند ماه پیش یک روزنامه ورزشی تیترو زده بود: «تهاجم فرهنگی در بسکتبال»؛ یک عکس هم زده بود که یک بسکتبالیست روی بازویش خالکوبی کرده بود. روز بعدش همان روزنامه عکس اشتی‌کنان دو تا از فوتبالیست‌ها را انداخته بود و یک یادداشت بلند از اخلاق پهلوانی در فوتبال نوشتند. باور نمی‌کنید این دو تا فوتبالیست که در عکس هم‌دیگر را می‌بوسیدند هزار قلم آرایش کرده بودند. آدم نمی‌فهمد چطور آن خالکوبی «تهاجم فرهنگی» است اما آرایش فوتبالیست‌ها را نماد «پهلوانی» می‌دانند.

حامد: آن تیترو را من هم دیدم.

صمد: مشکل مادر ایران همین است. ما هزار سال هم خودمان را بکشیم در صنعت خودروسازی جهان جایی نداریم اما هر چی پول داریم در صنعت خودروسازی سرمایه‌گذاری می‌کنیم. از آن طرف ما در گردشگری و هزار تا چیز دیگر حرف اول را می‌زنیم اما کسی در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کند. در ورزش هم همین‌طور است. الان چند سالی می‌شود که ما در بسکتبال آسیا مقام می‌آوریم؛ چه در جوانان، چه در امیدها، چه در جام ملت‌ها. دیگر باید همه فهمیده باشند که جوانان ایرانی ژن بسکتبال دارند؛ همان‌طور که استعداد کشتی و وزنه‌برداری و تکواندو هم دارند.

حامد: ما نمی‌گوییم دیگر در فوتبال خرج نکنند. در

فوتبال پول خرج کنند، هر چقدر هم می‌خواهند خرج کنند اما در بسکتبال هم خرج کنند، در کشتی هم خرج کنند.

● جالب اینجاست که همیشه ورزشکارها به خاطر پاداش‌شان اعتراض می‌کنند اما شما که قهرمان شدید پاداش نمی‌خواهید و به جایش از سازمان تربیت‌بدنی می‌خواهید که برای تان سالن استاندارد بسازد؛ کاری که وظیفه سازمانی سازمان تربیت‌بدنی است.

صمد: اگر زمینش را به ما بدهند، خودمان سالن می‌سازیم. من مطمئنم به خاطر اینکه تصور می‌کردند دوره گذشته شانس قهرمان شدیم، برای ما سالن نساختند. تصور می‌کردند این دوره می‌رویم حذف می‌شویم و دیگر کسی انتظار ندارد سازمان تربیت‌بدنی سالن بسکتبال بسازد. الان من زانوم دردی می‌کند، کمرم درد می‌کند. اینها تاثیرات بازی در سالن‌های غیراستاندارد است.

حامد: باید به مامکانات بدهند تا ما هم بتوانیم باز هم برای ایران قهرمانی بیاوریم. من در سالن آزادی با درد تمرین می‌کنم؛ به خاطر اینکه سالن، استاندارد نیست.

● در این مدت دیداری با رئیس سازمان تربیت‌بدنی نداشتید که موضوع را پیگیری کنید؟

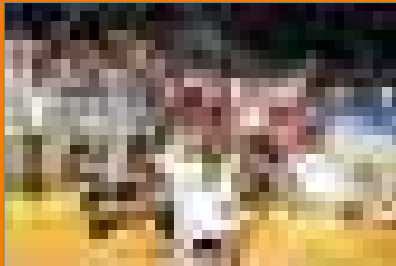
حامد: ما چند بار ایشان را دیدیم. هر بار هم که دیدیم درخواست کردیم که سالن‌مان را بسازند. همیشه هم ایشان وعده داده که به زودی سالن بسکتبال را کلنگ می‌زنیم اما هیچ اتفاقی نیفتاد.

● برگردیم به قهرمانی شما در آسیا. صمد انگار این بار بیشتر پاس می‌دادی. همیشه پشت‌سرت حرف است که «خوره بازی» در می‌آوری. چه اتفاقی افتاده بود که این قدر متحول شدی؟

صمد: تجربه‌ام بیشتر شده. البته الان هم اگر پیش باید یک تنه به قلب لشکر دشمن می‌زنم. بعضی وقت‌ها مجبورم خوره بازی در بیاورم. هر قدر می‌گردم کسی را پیدانمی‌کنم. انگار قایم شده‌اند تا توپ به‌شان نرسد.

● در بازی با تایوان یک آمار عالی داشتی؛ یازده پاس منجر به گل.





نمایی از جشن قهرمانی تیم ملی بسکتبال در چین



صمد نیکخواه چه جور آدمی است کاپیتانی از جنس طلا

وقتی برادر بزرگ ترش آیدین نیکخواه بهرامی از دنیا رفت خیلی ها او را تمام شده می پنداشتند. تا آن زمان صمد تنها دو مدال طلای آسیا را به گردن آوریده بود؛ یکی در جام باشگاه های آسیا و دیگری در جام ملت ها و هر دو بار هم در سال ۲۰۰۷. اما حالا کاپیتان تیم ملی در کنار حامد آفاق از لحاظ کسب مدال طلا در قاره آسیا با رسیدن به عدد پنج، کلکسیون زین دارد. او دو بار موفق شده جام ملت های آسیا را بالای سر ببرد؛ کاری که برای دیگر کاپیتان های بسکتبال کشورهای غرب آسیا در تاریخ بیست و پنج دوره های این رقابت ها رو بایی دست نیافتنی بوده است. صمد نیکخواه بهرامی آدمی خودخواه به حساب می آید و به هیچ وجه نمی تواند تحمل کند به راحتی افتخارات بسکتبال از کف اش بیرون رود، هر چند از این لحاظ خودخواهی اش قابل تقدیر است. نگاهی حرفه ای به بسکتبال دارد و حتی یک بار هم کسی به یاد ندارد از زیر بار تمرینات طاقت فرسا فرار کرده باشد. به او می گویند مرد خانواده؛ خیلی زود ازدواج کرد و جالب اینکه این اقدامش در رشد بسکتبالش تاثیر دوچندان داشت. با مطبوعات میانه خوبی دارد اما صریح حرفش را می زند، درست مثل زمانی که در همین همشهری جوان در گفت و گویی مشترک به همراه برادرش آیدین، حامد حدادی و جابر روزبهانی را زیر بار انتقاد گرفت. گاهی کارهای عجیبی از او سر می زند که دلایلش را فقط خودش می داند و بس؛ رفتن و پیوستنش از پتروشیمی نایب قهرمان به مهram میانه جدولی در سال های گذشته و پیوستن به صباه مهر قزوین، تیم سوم جدول از این دست اتفاقات است. صمد پیراهن تیم های گوناگونی را در لیگ برتر پوشیده، بر عکس برادرش آیدین که فقط در دو تیم ایران نارا و صباپاتری بازی کرد. کاپیتان تیم ملی در لیگ برتر ایران برای ایران نارا، صنم، پتروشیمی و مهram بازی کرده و حالا در صباه مهر است. او در لیگ فرانسه هم عضو دو باشگاه شعله و پاتو آر تژ بوده و بعد از سعید ارغمانی، علی اکبر شیربان، بابک نظافت، حامد حدادی و کاظم معنایی ششمین لژیونر تاریخ بسکتبال ایران به حساب می آید. صمد وقت شناس است، وقتی عصبانی می شود باید از او دوری کرد، در دوستی کم نمی گذارد، مردم دار است، حرفه ای گری و حسابگری سرش می شود، و لخرج نیست، با مهمانی و تفریح های جوانی میانه ای نداشته و ندارد، ساعت ۱۲ شب را به غیر از هنگام مسافرت هان دیده و در کل بچه مثنی به تمام معنا و ز رنگ است. فیبا، فدراسیون جهانی بسکتبال او را کامل ترین بسکتبالیست حال حاضر آسیا می داند.

● البته شما که ایران نبودید، شایعه کرده بودند برای یک سال ۴۵۰ میلیون تومان از صبا گرفته ای. صمد (می خندد): خیلی بالاتر از این حرف هاست. هر کی به شما خبر داده رقم قرارداد را کم گفته.

● تو که یک سال در فرانسه بودی چرا به ایران برگشتی؟

صمد: برای این فصل هم چند تا تیم اروپایی به من پیشنهاد داده بودند اما تیم های خوبی نبودند. من هم دیگر نمی خواهم در تیم های ضعیف بازی کنم. پارسل آن قدر باختیم که دیگر از بسکتبال خسته شده بودم. من در ایران در هر تیمی بازی کرده بودم در بدترین حالت به نایب قهرمانی رسیده بودم اما پارسل در فرانسه تیم ما تمام بازی هایش را باخت. از آن طرف هم در المپیک به همه باخته بودیم.

حامد: اوضاع طوری شده بود که من به صمد زنگ می زدم، نمی پرسیدم باختید یا بردید؛ مطمئن بودم باختند. می پرسیدم با چند تا اختلاف باختید.

● تو چطور؟ این فصل هم در ممفیس می مانی یا تو هم دیگر خسته شده ای؟

حامد: وقتی فصل پیش تمام شد و من به ایران برگشتم به من یک برنامه تمرینی فشرده دادند. من انگیزه زیادی داشتم و تمام فصل تعطیلات را سنگین ترین می کردم اما وقتی برای فصل جدید به آمریکا برگشتم دیدم که یک بسکتبالیست دیگر در پست من جذب کرده اند.

● پس با این حساب شاید در فصل جدید باز هم نیمکت نشین باشی؟

حامد: برای همین هم به اینجنتم خبر دادم که به دنبال یک تیم جدید بگردم. فعلا از هوستون پیشنهاد دارم. من عاشق بازی کردن هستم. از تمرین کردن هم متنفرم. پارسل در ممفیس سخت گذشت. فقط تمرین می کردم و اصلا به من بازی نمی رسید. به جایی رسیدیم بودم که وقتی به اردوی تیم ملی برای جام ملت ها آمدم، فراموش کرده بودم چطور باید بازی کنم. در تیم ملی بود که خودم را پیدا کردم.

● مشکل تو در ممفیس چی بود؟

حامد: یکی اینکه ایرانی بودم، دیگر اینکه زبان انگلیسی را دست و پا شکسته می فهمیدم. در تمرینات سرمربی تیم یک وقت هایی حرفی می زد که من نمی فهمیدم. وقتی می رفتم دوباره بپرسم با دست اشاره می کرد که ولش کن. سخت می توانستم با سرمربی ارتباط برقرار کنم. دو، سه ماه اول من در ممفیس علاف بودم. دوران بدی بود. اصلا دیگر نمی خواهم آن روزها تکرار شود.

● چند ماه تا جام جهانی وقت داریم؟
صمد: یک سال وقت داریم. شهریور سال آینده شروع می شود.

صمد: حرکت جدیدی است که یاد گرفته. در جام ملت ها که بودیم همه نیمکت ما را نگاه می کردند. تازه یک حرکت دیگر هم یاد گرفته که همه از خنده می میرند.

● چه حرکتی؟

حامد: پیش از بازی که به زمین می آمدیم صمد را می بردم سمت داور بازی تا بگردم. همان جوری که پلیس ها، کسی را می گردند، من هم صمد را می گشتم تا به داور بفهمانم ما دست خالی به جنگ می آییم.

صمد: حامد که این کار را می کرد، تمام تماشاگران قهقهه خنده می زدند.

● ماجرای سبیلی که گذاشته بودید، چه بود؟

حامد: با خودمان عهد کرده بودیم تا وقتی که به فینال نرسیده ایم، سبیل بگذاریم. به فینال که رسیدیم همه، سبیل ها را زدیم.

● اگر به فینال نمی رسیدید، چه کار می کردید؟

حامد: الان شما ما را با سبیل می دیدید. صمد: مادر بازی های آسیایی دوحه هم عهد کرده بودیم تا وقتی که به فینال صعود نکنیم، ریش بگذاریم. در آن تورنمنت به فینال نرسیدیم و برای همین هم تا یکی دو ماه پس از مسابقات ریش داشتیم.

● در جام ملت ها مصدومیتات جدی بود؟

صمد: مینیسکم ضربه خورده بود. ● خوب شد؟
صمد: نه، باید عمل کنم. احتمالا به چند تا بازی اول لیگ نرسم.

● راستی چرا پیش از اینکه به جام ملت ها بروی، با صبا قرارداد بستنی؟

حامد (شوخی می کند): الان دلایلش را گفت دیگر. مصدوم بودم.

صمد: می خواستم در ایران بمانم.

صمد: از دستم در رفته بود. حامد: بعد از بازی که آمار را دیدم، چشمم را می مالیدم تا مطمئن شوم بیدارم.

صمد: اما باور کنید بعضی وقت ها مجبورم تکروی کنم. می فهمید؟ مجبورم!

● الان یک سالی می شود که حامد در آمریکا بازی می کند. این یک سال چه تاثیری در بازی او گذاشته؟

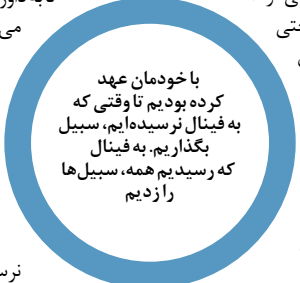
صمد: حامد پیش از این زیاد خطا می کرد اما حالا دیگر مفت خطا نمی کند. من حتی در المپیک هم یک جاهایی پیش می آمد که اطمینان نداشتم به حامد پاس بدهم اما الان بازیکن مطمئنی شده. توپ را که به حامد می دهم مطمئنم یک کاری با آن می کند. خوشحالم که کنار حامد بازی می کنم. الان چون حامد را زیر حلقه داریم، خیال مان راحت شده.

● صمد چه فرقی کرده؟ مدتی که در فرانسه بازی کرد، تاثیری در سبک بازی صمد داشت؟

صمد: هندوانه هایی که بهات قرص دادم را به من پس بده، حامد.

حامد: صمد از وقتی از فرانسه برگشته، یک حرکت جدید یاد گرفته که اصلا در بازی نمی شود دفاعش کرد. تنها راهی که داری این است که خطا کنی. حرکت عجیبی است. من در آمریکا دیده بودم که یکی دو نفر این حرکت را می کنند. توی تمرین ما را بیچاره کرده. هیچ جوری نمی توانیم دفاعش کنیم. به صمد در زمین عادت کرده ام. در بازی با قطر چند دقیقه ای که صمد روی نیمکت نشسته بود، یک چیزی گم کرده بودم.

● حامد تو هم که روی نیمکت می نشینی، خوب به دیگران روحیه می دهی؛ پرچم ایران را روی دوش می اندازی و هر تویی که گل می شود، تمام نیمکت را بلند می کنی.



با خودمان عهد کرده بودیم تا وقتی که به فینال نرسیده ایم، سبیل بگذاریم. به فینال که رسیدیم همه، سبیل ها را زدیم.